

سیر تطور تفسیر اخلاقی قرآن کریم

معصومه آگاهی*

عبدالهادی فقهی زاده**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۹

تاریخ تایید: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱



چکیده:

رویکرد اخلاقی در تفسیر قرآن در طول تاریخ اسلام دوره‌های گوناگونی را پشت سر گذاشته است. این ادوار در ویژگی‌ها و خصوصیات با هم تفاوت داشته‌اند. از عصر نزول قرآن و توأمان بودن روایات تفسیری و اخلاقی تاکنون پنج دوره در تفسیر اخلاقی قابل شناسایی و تفکیک است: ۱. پیدایش توجه خاص به آیات مشتمل بر نکات اخلاقی (عصر اقدمین)، ۲. افول صبغه اخلاقی در تفسیر آیات (عصر متقدمان)، ۳. احیاء صبغه اخلاقی در قالب تفاسیر جامع (دوره اول عصر متأخران)، ۴. رشد توجه به آیات مشتمل بر نکات اخلاقی (دوره دوم عصر متأخران) ۵. شکوفایی توجه به آیات مشتمل بر نکات اخلاقی (دوره معاصران). آنچه باعث ایجاد و آغاز هر یک از این دوره‌ها شده شرایط و فضای جامعه، نیاز مخاطبان و دغدغه مفسران بوده است؛ چنان که برآیند این عوامل در یک دوره خاص سبب شده است تا رویکرد اخلاقی در تفاسیر قرآن دچار شدت و ضعف شود. این نوشتار به معرفی دوره‌های گوناگون در تفسیر اخلاقی و تحلیل دلایل فراز و نشیب آن پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: تفسیر قرآن، رویکرد اخلاقی، تفسیر اخلاقی و روایات اخلاقی.

* فارغ التحصیل مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) magahi52@gmail.com

** استاد گروه علوم قرآن دانشگاه تهران faghhezadeh@ut.ac.ir

مقدمه

اخلاق، شاخص کمال ایمان و عقل عملی

در جهان‌بینی توحیدی، انسان مخلوق برگزیده خداوند و در مسیر لقای او در تلاش و حرکت است (انفطار/۶). در این سیر، ارسال رسل و انزال کتب آسمانی در جهت هدایت انسان به کمال نهایی خویش صورت گرفته است. به استناد آیات (بقره/۱۲۹، ۱۵۱؛ آل عمران/۱۷۹؛ جمعه/۲)؛ به عبارت دیگر هدایت بشر از طریق تزکیه نفس و تتمیم مکرمت‌های اخلاقی که فطری و جبلی این نفس است صورت می‌گیرد. به این ترتیب وجود ارتباطی تنگاتنگ میان آموزه‌های قرآن و اخلاق مورد تأیید است، چنان که حتی تلاوت و تعلیم کتاب خدا به منظور تزکیه، در معنای جامع خود یعنی پاکسازی و نمو معنوی و تحقق جامع اخلاق است.

از طرفی در روایت نبوی «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۲/۶۷) تتمیم مکارم اخلاقی، هدف بعثت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شمرده شده است. این هدف به قدری اهمیت دارد که حتی کمال ایمان و درجات آن را با کیفیت اخلاق می‌سنجند. امام باقر علیه‌السلام فرمود: «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا» (کلینی، ۱۳۸۸: ۹۹/۲) و نیز میزان عقل انسان را با کیفیت اخلاق او سنجش می‌کنند. چنان که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «أَكْمَلُ النَّاسِ عَقْلًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا» (همان: ۲۳/۱). از مجموع این دو روایت حاصل می‌شود که اخلاق نه تنها ترازوی سنجش ایمان مومن، بلکه ترازوی سنجش عقل هر انسانی است.

روایات متعددی از معصومان علیهم‌السلام نیز نقل شده که در آنها معیار ایمان افراد را ظهور افعال

تبیین اخلاق اسلامی ضمن آیات قرآنی و سنت نبوی به تدریج در طول حیات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صورت پذیرفت. از آن پس تفسیر اخلاقی همواره به‌مثابه یکی از گرایش‌های تفسیری همواره مورد توجه و کاربرد مفسران قرآن قرار داشته‌است، اگرچه گاهی این توجه به صورت غالبی و گاهی به صورت جزئی بوده است. آنچه حضور این گرایش تفسیری را در تمامی ادوار تفسیر قرآن از عصر معصومان علیهم‌السلام تاکنون، علی‌رغم تفاوت‌های گرایشی مفسران، تضمین کرده حضور آیاتی از قرآن است که در مفاهیم اخلاقی صراحت دارند. بدیهی است تمامی مفسران قرآن در برخورد با این آیات به توضیح و تبیین مفاهیم مورد نظر پرداخته و به هدف تربیتی و هدایتی آن عنایت داشته‌اند. این همان توجهی است که از آن به «توجه جزئی» تعبیر می‌کنیم؛ اما «توجه غالبی» که بیشتر مورد نظر ما در این نوشتار است، توجه به هدف تربیتی و هدایتی قرآن از دریچه اخلاق در بررسی همه آیات قرآن است که در طول ادوار تاریخی به دلایل گوناگون دستخوش فراز و نشیب بسیار بوده است. از این رو، این نوشتار بر آن است که در راستای تحلیل این مسأله پاسخ سؤالات زیر را ارائه دهد:

چرا رویکرد اخلاقی در تفسیر از عصر نزول قرآن تاکنون شدت و ضعف قابل توجهی داشته است؟ چه عوامل و ضوابطی سبب تمایز ادوار گوناگون در رویکرد اخلاقی شده است؟ چند دوره متمایز در تفسیر اخلاقی قرآن قابل شناسایی است؟

آیات کلام الهی صادر شده‌اند. قرآن خطاب به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل/۴۴). در روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز آمده است: «انها تكون بعدی رواه عنی الحدیث، فأعرضوا حدیثهم علی القرآن، فما وافق القرآن فخذوا به؛ و ما لم یوافق القرآن فلا تأخذوا به» (دارقطنی، ۱۴۱۷: ۱۳۴/۴)؛ به عبارت دیگر هر آنچه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت می‌شود براساس قرآن است. در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام هم آمده‌است: «فاتقوا الله و لا تقبلوا علینا ما خالف قول ربنا تعالی و سنه نبینا محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فاننا اذا حدثنا قلنا قال الله عزوجل و قال رسول الله صلی الله علیه و آله» (بروجردی، ۱۳۶۶: ۲۶۲/۱)؛ بر این اساس، روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز براساس قرآن و سنت نبوی استوار است که خود سنت نیز مبنای وحیانی دارد؛ به عبارت دیگر همه روایات ایشان به نوعی تفسیر قرآن است.

روایات اخلاقی

براساس نگرش فوق مجموعه روایات معصومان علیهم‌السلام در حقیقت، تفسیر و تبیین قرآن است. بدیهی است بخش قابل توجهی از این مجموعه را روایات اخلاقی و تربیتی تشکیل می‌دهد؛ به عبارت دیگر تمامی روایات اخلاقی، اعم از آن که تصریح به تفسیر آیه‌ای داشته باشند یا نه، به نحوی جهت تفسیر و تبیین آیات قرآن صادر شده و ناظر به بیان مراد آیات هستند. با این بیان، تمام روایات اخلاقی در واقع امر، زیرمجموعه روایات تفسیری هستند و ریشه در قرآن دارند و معصومان علیهم‌السلام در تفسیر قرآن همواره به

اخلاقی از ایشان می‌داند و نه انجام فرائض و نوافل^۱. به طور مثال پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «لا تنظروا إلى كثرة صلاتهم وصومهم، وكثرة الحج والمعروف، ووطننتهم بالليل، انظروا إلى صدق الحديث وأداء الأمانة» (صدوق، ۱۴۱۷: ۳۷۹)؛ و نیز امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «لا تنظروا إلى طول ركوع الرجل وسجوده، فإن ذلك شيء اعتاده، فلو تركه استوحش لذلك ولكن انظروا إلى صدق حديثه وأداء أمانته» (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۰۵/۲). به این ترتیب و برای جامعه عمل پوشاندن به هدف تربیتی و هدایتی قرآن اهل‌بیت علیهم‌السلام همواره سعی داشتند مفاهیم اخلاقی آیات قرآن را در خلال تفسیر آیات و یا مباحث اخلاقی و تربیتی در قالب روایات تفسیری و روایات اخلاقی به مخاطبان خود عرضه کنند. توجه و اهتمام پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل‌بیت علیهم‌السلام به رساندن پیام اخلاقی قرآن به مخاطب و رشد فضایل اخلاقی در جامعه سبب شد که عصر و فضای حضور معصومان علیهم‌السلام در جامعه اسلامی مبدأ رویکرد اخلاقی در تفسیر قرآن و درخشان‌ترین نمونه آن باشد، چنان که می‌توان آن را در کنار الگوی عملی سیره معصومان علیهم‌السلام برترین و مطلوب‌ترین الگو در تفسیر اخلاقی قرآن برشمرد.

۱. اهتمام تام معصومان علیهم‌السلام به مفاهیم اخلاقی آیات

براساس برخی آیات قرآن و نیز روایات صادره از اهل‌بیت علیهم‌السلام، آموزه‌های نبوی در مقام شرح

۱. لازم به ذکر است این روایات منافاتی با وجوب التزام به فرائض ندارد.

بنیان‌های اخلاقی آیات و مقاصد تربیتی آنها توجه خاص داشتند.

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است: «إن الله عز وجل خص رسله بمكارم الأخلاق فامتحنوا أنفسكم فإن كانت فيكم فاحمدوا الله، واعلموا أن ذلك من خير، وإن لا تكن فيكم فاسألوا الله وارغبوا إليه فيها، قال: فذكر عشره: اليقين، والقناعة، والصبر والشكر، والحلم، وحسن الخلق، والسخاء، والغيره، والشجاعه، والمروه. قال: وروى بعضهم بعد هذه الخصال العشره وزاد فيها: الصدق، وأداء الأمانه.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۱/۶۷). ایشان هم چنین فرموده است: «إن الله عز وجل لم يبعث نبياً إلا بصدق الحديث وأداء الأمانه إلى البر والفاجر» (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۰۴/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸/۱۱). در روایتی از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام نیز چنین آمده است: «یا هشام أفضل ما تقرب به العبد إلى الله بعد المعرفه به الصلاه، وبر الوالدين، وترك الحسد والعجب والفخر.» (همان: ۱۴۴/۱) و از امام علی بن الحسین علیه‌السلام نیز چنین روایت شده است: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما يوضع في ميزان امرئ يوم القيامة أفضل من حسن الخلق» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۹/۷).

روایات تفسیری

گاهی معصوم علیه‌السلام بدو ذیل آیه‌ای جهت تفسیر و توضیح آن به ذکر روایت و حدیث می‌پردازد. زمانی نیز در پاسخ سؤالات افراد درباره منظور و مقصود آیه‌ای روایتی ذکر می‌شود. در هر دو صورت آنچه از معصوم علیه‌السلام صادر شده روایت تفسیری نامیده می‌شود. بخش قابل توجهی از این روایات در صدد ارائه و بیان

مفاهیم اخلاقی و تربیتی از آیات قرآن است. آیاتی که این دسته از روایات ناظر به تفسیر آنها هستند خود به دو دسته قابل تقسیم هستند:

دسته نخست: آیاتی هستند که صراحت در تعالیم اخلاقی دارند. به طور مثال در تفسیر نور الثقلین ذیل آیه ۱۲ سوره حجرات آمده است: امام علی علیه‌السلام فرمود: «إياكم و غيبه المسلم، فان المسلم لا يغتاب أخاه و قد نهى الله ان يأكل لحم أخيه ميتا» (حویزی، ۱۴۱۵: ۹۳/۵) در این روایت امام علیه‌السلام به صورت ابتدایی یک مفهوم اخلاقی را بیان فرموده و آن را به عبارتی از قرآن مستند می‌کند.

در تفسیر البرهان ذیل آیه ۳۳ سوره اسراء چنین آمده است: اسحاق بن عمار می‌گوید: به امام رضا علیه‌السلام عرض کردم: خداوند عز و جل در کتابش فرمود: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَاناً فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً؛» «این اسرافی که خداوند از آن نهی فرموده چیست؟»: امام علیه‌السلام فرمود: «نهی آن یقتل غیر قاتله، أو یمثل بالقاتل» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۵۲۷/۳) در روایاتی از این دست، معصوم علیه‌السلام در پاسخ به سؤال افراد درباره برخی آیات، مفهوم اخلاقی مورد نظر خداوند در آن آیه را تبیین می‌کند.

دسته دوم: آیاتی هستند که در بیان مفاهیم اخلاقی صراحت ندارند؛ اما معصوم علیه‌السلام که براساس «لا یمسه الا المطهرون» (واقعه/۷۹) فهم کامل قرآن نزد اوست در مواجهه با این آیات، در هر شکل و قالبی که باشند، بن و محتوای اخلاقی آن را استخراج و آن را برای مخاطبان خود تبیین می‌کند.

در تفسیر البرهان ذیل آیه ۲۳۶ بقره که از

مخاطبان در هر زمان و دغدغه‌های مفسران سه عامل ایجاد این دوره‌های گوناگون هستند. مجموع این عوامل در هریک از این دوره‌ها سبب شدت و ضعف رویکرد اخلاقی در تفسیر قرآن شده است.

در در دوره اقدمین که از عصر نزول قرآن و روایات تفسیری پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آغاز می‌شود، رویکرد اخلاقی در تفسیر قرآن توسط شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پایه‌ریزی شده، تبیین و تفسیر آیات قرآن در کنار تعلیم مفاهیم اخلاقی تنبیه در آیات در جهت تربیت و تزکیه مخاطبان صورت می‌گیرد. پس از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و با توجه به منع نقل و کتابت حدیث توسط خلفا، رویکرد اخلاقی که پشتوانه خود را از روایات اخلاقی می‌گرفت در تفاسیر صحابه و تابعان اهل سنت دچار افول شده، جای خود را به توضیح واژگان و لغات آیه و یا قراءات گوناگون آن می‌سپارد و در این فرآیند، اشعار جاهلی نیز به کمک صحابه و تابعان می‌آید (معارف، ۱۳۸۷: ۴۳)؛ اما در شیعه با توجه به استمرار امامت معصومان علیهم‌السلام در این دوران و صدور روایات اخلاقی و تفسیری از ایشان، تفسیر قرآن با رویکرد اخلاقی همچنان استمرار می‌یابد که ماحصل آن در روایاتی که در تفاسیر روایی شیعه در قرون بعدی گردآوری شده، دیده می‌شود؛ اما از آنجا که دغدغه اصلی شیعه در این دوره، جانشینی امام علی علیه‌السلام پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و جایگاه و شأن اهل‌بیت علیهم‌السلام در هدایت جامعه و تربیت

مجموعه احکام طلاق است آمده است: از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: آیا مردی که همسرش را طلاق داده است باید او را هدیه‌ای دهد؟ حضرت فرمود: «نعم، أما تحب أن تكون من المحسنين أما تحب أن تكون من المتقين؟!» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۱/۴۹۱). پاسخ امام علیه‌السلام که براساس ذیل آیه ۲۳۶ سوره بقره: «حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ» و ذیل آیه ۲۴۰ سوره بقره: «حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» استوار است، دربردارنده یک عمل متعالی اخلاقی است که حتی در خلال وقوع منفورترین حلال خداوند یعنی «طلاق»، نیکی و احسان به طرف دعوی را سفارش می‌کند.

در همین تفسیر ذیل آیه ۱۹۵ سوره بقره از امام صادق علیه‌السلام چنین نقل شده است: «لو أن رجلا أنفق ما في يديه في سبيل من سبيل الله ما كان أحسن ولا وفق، أليس يقول الله تعالى: وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» یعنی المقتصدین» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۱/۴۱۲). در این آیه نیز معصوم علیه‌السلام پایبندی به مفهوم اخلاقی «اعتدال» و «عدم افراط و تفریط» را حتی در انفاق در راه خدا که همواره مورد سفارش دین است لازم می‌شمرد.

۲. ادوار گوناگون در تفسیر اخلاقی و ضابطه تمایز آنها از یکدیگر

از عصر حضور معصومان علیهم‌السلام، صحابه و تابعان (اقدمین) و توأمان بودن روایات تفسیری و اخلاقی تا کنون، ادوار گوناگونی در رویکرد اخلاقی قابل شناسایی و تفکیک است.^۲ فضای کلی جامعه، نیاز

جایگاه رویکرد اخلاقی در آنها صورت گرفته است. مشترکات هر گروه از این تفاسیر در حوزه رویکرد اخلاقی، وجه تمایز و تفکیک این ادوار است.

۲. طرح و معرفی این ادوار در حوزه تفاسیر قرآن از نوآوری‌های پژوهش حاضر است که براساس مطالعه تفاسیر موجود و بررسی

نفوس است، توجه ایشان بیشتر معطوف به نقل روایات تأویلی در این موضوع و بیان مصادیق و شأن نزول‌های مربوط به آن است. در نتیجه آنچه در اواخر دوره اقدمین اتفاق می‌افتد افول و ضعف رویکرد اخلاقی نسبت به اوایل این دوره است که در هر یک از فریقین به دلیلی متفاوت روی می‌دهد.

در دوره متقدمان (مقارن قرون چهارم و پنجم) و تألیف تفاسیر روایی اولیه شیعه به جهت اهمیت و اولویت مسأله ولایت اهل بیت علیهم السلام و شأن و فضیلت ایشان غالب روایات در راستای تفهیم این امر مهم، یعنی ولایت و شناساندن دوستان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام به مخاطب گزینش شد. اولویت این امر بر سایر شؤون دین سبب شد که توجه به آن در محوریت تفاسیر روایی شیعه قرار گیرد و دغدغه مفسر در هنگام گزینش روایات تفسیری به روایاتی با مضامین فوق معطوف شود. در این دوران در تفاسیر اهل سنت نیز آنچه بیشتر مورد توجه مفسر است، معنای واژگان و عبارات و بررسی مجاز و کنایه‌های قرآن است که به نوعی نشان‌دهنده اعجاز لفظی قرآن و فصاحت و بلاغت آن است. از سوی دیگر جامعه اسلامی با تأثر از دوران حضور معصوم علیه السلام و آثار تربیتی آن، به گونه‌ای شکل گرفته بود که نیازی برای تأکید و توجه خاص به مضامین اخلاقی از سوی مفسران احساس نمی‌شد. از این رو، علی‌رغم نزدیکی این دوران به عصر حضور معصومان علیهم السلام توجه به رویکرد اخلاقی در آن کاهش می‌یابد.

در دوره بعد که دوره اول عصر متأخران و شامل قرون ششم تا دهم است و تفسیر عقلی و اجتهادی در کنار تفسیر نقلی و روایی قرار می‌گیرد، به جهت توسعه

قلمرو اسلامی و نیز رویارویی مسلمانان با غیرمسلمانان، لزوم ارائه تفاسیر جامع از قرآن به دغدغه نخست مفسران تبدیل شد. از این رو، مفسران این دوره با وجود داشتن رویکردهای کلامی، ادبی، عرفانی و اخلاقی، هم در مقام گزینش روایات تفسیری و هم در تفسیری که خود ارائه می‌کردند درصدد تبیین کامل معارف و آموزه‌های قرآن بودند که ماحصل آن تفاسیری با رویکردهای گوناگون نظیر ادبی، عرفانی، کلامی و اخلاقی است. به علاوه در این دوران تألیف آثار تفسیری نیز کاهش می‌یابد که البته می‌توان آن را یکی از نتایج دوران گذار از تفاسیر نقلی محض به آثار تفسیری عقلی و نقلی توأمان دانست.

در دوره بعد که آن را دوره دوم عصر متأخران (فاصله قرون یازدهم و دوازدهم هجری) می‌نامیم با ظهور حکومت‌های شیعی و حمایت آنها از دانشمندان شیعه، بار دیگر مفسران به بازنویسی و فریه کردن تفاسیر روایی اقدام کردند؛ به این ترتیب که مفسران سعی کردند با جستجو در منابع روایی، روایات بیشتری را ذیل آیات مربوطه نقل کنند. گاهی توضیحات و نظرات شخصی مفسر نیز در کنار این روایات ذکر می‌شد. در این دوره به جهت فضای خاص حکومتی، مفسران هیچ‌گونه محدودیتی در گزینش و نقل روایات معصومان علیهم السلام در تفسیر خود نداشتند. از این رو، تفاسیر دوره سوم مجموعه ارزشمند و پرباری از روایات اخلاقی معصومان علیهم السلام را در خود جای دادند. از طرفی چندین قرن فاصله زمانی از حضور اهل بیت علیهم السلام تا قرن یازدهم هجری سبب شد که توجه به مفاهیم اخلاقی در جامعه اسلامی ضعیف شود. به همین سبب تألیف کتاب‌های اخلاقی که از دوره قبل

آغاز شده بود در این دوره رشد بیشتری یافت.^۳

سپس از اوایل قرن سیزدهم هجری قمری دوره پنجم آغاز می‌شود. در این دوره نیز تفاسیر به صورت ترکیبی از تفسیر عقلی و نقلی با نسبت‌های گوناگون تألیف شدند؛ اما آنچه در تمامی آنها مشترک است جریان رویکرد اخلاقی در آنها است. این جریان با گذشت زمان و نزدیک شدن به قرن حاضر شدت یافته‌است. علت این امر را می‌توان در تغییر سبک و کیفیت زندگی در عصر جدید، یعنی صنعتی شدن، مدرنیته و فاصله گرفتن انسان معاصر از معنویات و اخلاقیات جستجو کرد. عقلای جوامع، درمان مشکلات و امراض معنوی بشر را در توجه دادن او به رعایت فضایل اخلاقی و دوری از رذایل دیدند. دانشمندان اسلامی نیز با این دغدغه، دیگر بار به سراغ قرآن، کتاب هدایت و تربیت، رفتند و حاصل این توجه و این رویکرد تازه به قرآن، شکوفایی رویکرد اخلاقی بود که البته کیفیت و کمیت آن در تفاسیر همین دوره نیز با هم تفاوت دارد و همین تفاوت نیز ناشی از میزان دغدغه‌مندی مفسر، مبانی وی در تفسیر و فضا و شرایط زندگی مفسر است.

پیدایش توجه به آیات مشتمل بر نکات اخلاقی (عصر اقدمین)

آغازگر تفسیر قرآن شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

است و البته برخی صحابه نیز با آموختن روش صحیح تفسیر قرآن به این مهم پرداخته‌اند. از ویژگی‌های تفسیر صحابه سلامت و پیراستگی این تفسیر از جدل و اختلاف بود؛ زیرا در آن دوران مینا و جهت‌گیری و استناد در بیان معنای آیه یکی بود، چرا که در آن دوران نه در میان صحابه اختلافی بر سر مبانی نظری وجود داشت و نه تباین و دوگانگی‌ای در جهت‌گیری. همچنین تضاد و تقابلی در استناد وجود نداشت. تنها وحدت نظر و جهت‌گیری و هدف واحدی وجود داشت که همه صحابه را گرد هم می‌آورد. در آن زمان انگیزه‌ای برای بروز اختلاف و تضارب آراء وجود نداشت، به‌ویژه این که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به آنان آموخته بود که چگونه راه هدایت و راستی را بیمایند. علاوه بر این که تفسیر در آن دوره - از نظر شکل و ترکیب - از چهارچوب نقل حدیث فراتر نرفته بود، بلکه بخشی از حدیث و شاخه‌ای از آن به شمار می‌رفت و گردآورندگان احادیث، در کنار احکام، احادیث تفسیری را نیز گرد می‌آوردند (معرفت، ۱۳۸۷: ۲۹۳/۱). در دوران تابعان و پس از آن نیز تا حدود دو قرن رویکرد غالب در تفسیر قرآن رویکرد روایی بوده است. در حقیقت رویکرد روایی جمعی از اصحاب و تابعان به‌ویژه در نگرش ایجابی که تفسیر را تنها در بستر روایات بدون نقد و تحلیل آنها دنبال کرده‌اند، زمینه‌ساز جریان تفسیری روایت‌گرا بوده است (اسعدی، ۱۳۸۹: ۱۳۰/۱-۱۲۴). تفسیر قرآن کریم در عصر صحابه که از نیمه دوم قرن اول هجری بیشتر قوت داشته جنبه روایی و اثری داشته و بر اثر و اساس روایات و احادیث و تقریر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است. تفسیر صحابه به علت

۳. توجه با تاریخ تألیف کتب اخلاقی نظیر *احیاء علوم الدین*، *مکارم الأخلاق*، *اخلاق محتشمی*، *ارشاد القلوب*، *رسالة العلیة* و *شهاب الحکمة*، *معراج السعادة*، *اخلاق جلالی*، *اخلاق شبر*، *محجة البیضاء* در فریقین به خوبی بیانگر این امر است.

مثال روایتی از امام عسکری علیه‌السلام در بحارالانوار با این مضمون آمده است: «سخاوت اندازه‌ای دارد که اگر از آن فراتر رود تبدیل به اسراف می‌شود ... و سخت‌گیری اندازه‌ای دارد که اگر از آن بگذرد به بخل تبدیل می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۷/۷۵). فرمایش امام علیه‌السلام در این روایت تبیین آیه ذیل است: «وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان/۶۷)؛ یعنی امام علیه‌السلام حتی زیاده‌روی در انفاق را مصداق اسراف می‌دانند و به اعتدال در همه امور توصیه می‌کنند. در تفسیر البرهان نیز ذیل آیه ۳۳ سوره اسراء از اسحاق بن عمار نقل شده که می‌گوید: به امام رضا علیه‌السلام عرض کردم: خداوند عزوجل در کتابش فرمود: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»؛ «این اسرافی که خداوند از آن نهی فرموده چیست؟»: امام علیه‌السلام فرمود: «خداوند نهی کرد که غیر قاتلش را بکشند یا قاتل را مثله کنند» (بحرانی، ۱۳۶۶: ۵۲۷/۳). به این ترتیب امام علیه‌السلام «اسراف در قتل» را تبیین فرموده و از آن نهی کرده است. در این دوره اقوال تفسیری صحابه و تابعان نظیر ابن عباس، عکرمه، سدی، ضحاک، قتاده، جبائی، انس بن مالک، ابن زید، زجاج و... نیز غالباً در ضمن تفاسیر ادوار بعد نقل و گزارش شده‌است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۲۰/۱۶-۱۸۳).

افول صبغه اخلاقی در تفسیر آیات (عصر متقدمان) دومین دوره از ادوار رویکرد اخلاقی عصر متقدمان یعنی دوران بعد از غیبت امام عصر علیه‌السلام و مصادف با تدوین تفاسیر روایی اولیه در شیعه و اهل

مأثور بودن به شکل ساده بیان می‌گردید و در حقیقت این تفسیر شاخه‌ای از «علم الحدیث» بوده است. اگرچه بعضی از صحابه در تفسیر، دارای اجتهاد و روش ویژه خود بودند و به همین جهت بانی و مؤسس مکاتب تفسیری شمرده شدند، مانند ابن عباس و ابن مسعود؛ اما اجتهاد و روش خاص آنها در تفسیر قرآن هم‌آهنگ و موافق تفسیر و تقریر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود (جلالیان، ۱۳۸۴: ۷-۴۶). در توصیف ویژگی تفسیر در قرن اول باید گفت در اهل سنت تفاسیر صحابه در این دوران اغلب محدود به ارائه معنای واژگان دشوار و بیان مصداق یا شأن نزول آیات است^۴ (ایازی، ۱۳۸۵: ۳۶).

باید افزود که منابع روایی اهل‌بیت علیهم‌السلام در این دوره سبب شده است که منابع تفسیری شیعه نسبت به اهل سنت فربه‌تر و غنی‌تر باشد. این دوره به جهت انطباق بر عصر حضور معصومان علیهم‌السلام در جامعه اسلامی، در تفاسیر شیعه آغاز توجه خاص به مفاهیم اخلاقی است که به سبب صدور روایات تفسیری و اخلاقی و حضور معصوم علیه‌السلام در تبیین آیات از اهمیت خاصی برخوردار بوده و زمینه‌ساز تفسیر اخلاقی در سایر دوره‌ها است. درحقیقت در این دوره الگوی نگرستن به قرآن با رویکرد اخلاقی که توسط معصوم علیه‌السلام ترسیم شده است توسط اصحاب ائمه کمابیش به کار گرفته شده (ثمالی، ۱۴۲۰: ۷۷) و در قالب روایات اخلاقی با کارکرد تفسیری به تفاسیر روایی یا جوامع روایی ادوار بعد منتقل می‌شود. به طور

۴. برای مطالعه نمونه‌ای از این تفاسیر رجوع کنید به مجاهد، بی‌تا:

آنهایی که صراحتاً در صدد تفسیر آیه‌ای از قرآن بودند از سایر روایات جدا شده و در قالب مجموعه‌های تفسیری عرضه شدند (ایازی، ۱۳۸۵: ۶۲). پس از لغو ممنوعیت کتابت و علنی شدن تدوین حدیث، تفسیر آرام آرام راه خود را از دیگر علوم جدا کرد و دانشی مستقل از حدیث را بنا نهاد. عالمان اسلامی به طور عام و شاگردان ائمه به طور خاص در این دوره به تألیف و تنظیم آثاری با عنوان تفسیر دست زدند. پیش از این آنچه تألیف می‌یافت، گرچه با عنوان تفسیر قرآن بود، اما در حقیقت مجموعه‌ای از احادیث و گزارشاتی بود از اقوال و منقولات لغت‌شناسانه و اخبار و آثار شأن نزول و حوادث تاریخی مربوط به نزول آیات (همان: ۴۳). این روند تا اواخر قرن سوم هجری و تدوین نخستین کتب تفسیری در فریقین ادامه می‌یابد. درباره ویژگی این دوره از تفسیر باید گفت از زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا اواخر سده سوم هجری، تفسیرها غالباً از محدوده نقل روایت و تبیین مختصر واژگانی و استشهاد به اشعار فراتر نمی‌رود و آنچه به نگارش درمی‌آید احادیث پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم و سخنان ائمه معصومان علیهم‌السلام است که بعدها این نوع جمع‌آوری‌ها «تفسیر مأثور» نام گرفت. در حقیقت در این دوره، تفسیر شعبه‌ای از علم حدیث شمرده می‌شود (همان: ۷۱). به این ترتیب نخستین آثار تفسیری که پس از ظهور اسلام تدوین شدند تفاسیر روایی یا مأثور هستند.

در این دوران، روایات تفسیری ثبت شده در اصول و مصنفات اصحاب ائمه با نظم و ترتیبی مطلوب در قالبی جدید بازنویسی شده و براساس سوره‌های قرآن و آیات درون هر سوره منظم گشت. همزمان که

سنت است. در شیعه، میراث عظیم روایی بر جای مانده از معصومان علیهم‌السلام ابتدا در قالب مجموعه‌های گوناگون روایی تحت عناوین مختلف و با معیارهای دسته‌بندی مختلف مدون شدند. گرچه شروع فرآیند تدوین روایات در شیعه و اهل سنت به سبب دو قرن ممنوعیت نقل و نگارش روایات در میان اهل سنت و عدم رعایت این ممنوعیت در میان شیعه همزمان نبود، اما تدوین روایات در هر دو آنها ادوار مشابهی را طی کرده‌است. به طور کلی، ابتدا روایات اعم از فقهی، اخلاقی، اعتقادی و... که البته با توجه به مطالب پیش‌گفته همگی زیرمجموعه روایات تفسیری و در جهت تبیین آیات قرآن صادر شده‌اند به شکل تفکیک نشده، یا با معیارهای تفکیکی نظیر نام راوی و... در مجموعه‌های روایی گردآوری شدند (معارف، ۱۳۸۷: ۱۲۱، ۱۹۸).^۵

در ابتدای قرن چهارم روایات تفسیری یعنی

۵. نتایج و گزارش‌های ارائه شده درباره‌ی سیر تطور رویکرد اخلاقی در تفسیر قرآن، براساس بررسی و مطالعه‌ی تفسیر سوره انفال و چند آیه منتخب از قرآن در موضوعات جنگ، طلاق و قصاص، در همه تفاسیر جامعه‌ی آماری پژوهش که حدود یکصد و پنجاه اثر تفسیری شناخته شده هستند، حاصل شده است. علت گزینش آیات سوره انفال این است که این سوره از سوره مدنی است که غالب آیات آن گزارش وقایع جنگ بدر است. عنایت مفسر به مفاهیم اخلاقی آیات در ضمن خشن‌ترین و جدی‌ترین مسائل اجتماعی نظیر جنگ، قصاص و طلاق، دلیلی بر استمرار این توجه در سایر موقعیت‌ها و شرایط خواهد بود. از طرفی بررسی یک سوره خاص در تمامی تفاسیر، فرآیند مقایسه کمی و کیفی رویکرد اخلاقی را در آنها آسان‌تر و عملی‌تر می‌سازد. به علاوه تنها کتاب‌هایی که با عنوان تفسیر قرآن نوشته شده‌اند در این جامعه آماری مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، نه کتب اخلاقی و تربیتی.

والهوسلم و اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن رویکرد اخلاقی دارند، از این رو، این رویکرد در بدنه تفاسیر متأثر شیعه کمابیش دیده می‌شود؛ اما این حضور جنبه غالب ندارد، بلکه تأکید خاص مفسران شیعه در این دوره بر روایاتی است که در فضیلت و شأن اهل بیت علیهم السلام خصوصاً امام علی علیه السلام وارد شده است.

از آنجا که رویکرد مفسران در هر زمان براساس اولویت‌های موجود در آن زمان و نیاز مخاطبان تعیین می‌شود، می‌توان علت افول رویکرد اخلاقی را در این دوره در میان تفاسیر شیعه، توجه خاص مفسران به روایات تأویل، مصداق و شأن نزول با موضوع ولایت اهل بیت علیهم السلام و فضیلت ایشان دانست. مفسران قرآن و صاحبان کتب تفسیر روایی، نخستین رسالت خود را تبیین جایگاه ولایی اهل بیت علیهم السلام براساس آیات قرآن و روایات ذیل آن می‌دانند. اولویت و اهمیت این امر اعتقادی در مقایسه با سایر شاخه‌های معارف قرآنی یعنی اخلاق و احکام سبب شد تا مفسران همت خود را بر این امر بگمارند. از این رو، مطلبی که در تمامی این تفاسیر مشهود است گزینش روایات مربوط به بطون آیات و تأویل آنها در راستای مقام اهل بیت علیهم السلام و ولایت ایشان است؛ یعنی علی‌رغم آنکه مفسر به مجموعه روایات تفسیری مشتمل بر روایات اخلاقی دسترسی دارد، در هنگام گزینش، روایاتی را برمی‌گزیند که در راستای اعتقاد او به ولایت و فضیلت اهل بیت علیهم السلام است. این روایات اعم از روایات مربوط به بطون آیات، تأویل آنها و نیز شأن نزول یا مصداق آیات است (قمی، ۱۳۶۷: ۹/۲۸-۲۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۲۴؛ فرات کوفی،

جوامع حدیثی پا به عرصه ظهور نهادند، تالیفات متعددی حاوی روایات تفسیری فراهم آمدند. روایات در این نوشته‌ها براساس نظم داخلی قرآن سامان یافته بودند، لکن مؤلفان این آثار درصدد استقصای کامل روایات تفسیری برنیامده‌اند. به همین دلیل، متعرض تفسیر تمامی آیات نشده‌اند. از مشهورترین تفاسیر روایی شیعی که در ابتدای قرن چهارم هجری به رشته تحریر درآمد، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، تفسیر عیاشی، تفسیر فرات کوفی، تفسیر محمد بن قاسم استرآبادی و تفسیر نعمانی است (همان: ۷۲-۶۱). نه تنها در شیعه، که حتی در اهل سنت نیز دانش تفسیر متأثر از فرهنگ غنی اهل بیت علیهم السلام و وامدار علمی ایشان است؛ چرا که مفسران اهل سنت بعضاً شاگردان صادقین علیهما السلام بوده و متأثر از ایشان هستند؛ و از طرف دیگر به دلیل موقعیت ممتازی که کسب کرده‌اند، عده‌ای اخبار و گزارشات خود را به آنان منسوب می‌داشتند (همان: ۶۳).

از آنجا که تفسیر ارائه شده در این مجموعه‌ها، در شیعه محدود به روایات رسیده از اهل بیت علیهم السلام و در سنت تلفیقی از روایات رسیده از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اخبار و آثار اصحاب ایشان و تابعین آنها است (همان: ۷۲)، این تفاسیر همه آیات قرآن را در بر نمی‌گیرند و تنها آیاتی را پوشش می‌دهند که روایتی در تبیین آنها صادر شده باشد. نقش مفسر نیز در غالب این تفاسیر به گزینش روایات متناظر با آیات و گاهی تحلیل و توضیح روایات مذکور محدود می‌شود. البته در موارد محدودی مفسر تحلیل و فهم خود در معنای آیه یا روایت را نیز ارائه می‌دهد. بخش قابل ملاحظه‌ای از روایات پیامبر صلی‌الله‌علیه

شیعیان او می‌بردازد. وی در تفسیر آیه ۵۸ همین سوره «وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَهُ فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» علی‌رغم آنکه می‌تواند از روایات اخلاقی فراوانی که در مذمت خیانت و مدح وفای به عهد و پیمان است استفاده کند می‌گوید: «وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَهُ فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ نَزَلَتْ فِي مَعَاوِيَةَ لَمَّا خَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (همان: ۲۷۹/۱)؛ یعنی با بیان شأن نزولی برای آیه، این ردیلت را به دشمن اهل بیت علیهم السلام منتسب می‌کند.^۶

وی هم‌چنین در تفسیر آیه یازده سوره حجرات این روایت را نقل می‌کند: «پس از اینکه عایشه و حفصه یکی از همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صفیه را که قبلاً یهودی بود سرزنش کردند و او را زن یهودی نامیدند، او نزد پیامبر شکایت کرد. حضرت به او فرمود چرا پاسخ آنها را ندادی؟ عرض کرد چه بگویم؟ حضرت فرمود: بگو پدرم هارون نبی الله، عمویم موسی کلیم الله و همسرم محمد رسول الله است. پس مرا ناسزا نگویند. زمانی که این سخن را به ایشان گفت گفتند این را پیامبر به تو آموخته است، سپس خداوند این آیه را نازل کرد»^۷ (همان: ۳۲۱/۲). چنان که دیده می‌شود در این تفسیر نیز ناگفته‌های مفسر ذیل آیه‌ای که دربردارنده مفاهیم اخلاقی بسیار روشن و زنده‌ای چون

۷. با توجه به نزول آیه سال‌ها قبل از خیانت معاویه به علی علیه‌السلام این روایت نمی‌تواند بیان سبب نزول آیه باشد.

۸. «فانها نزلت في صفية بنت حى بن اخطب و كانت زوجة رسول الله و ذلك ان عائشة و حفصه كانتا تؤذيها و تشتمها و تقولان لها يا بنت اليهودية، فشكت ذلك إلى رسول الله فقال لها: ألا تجبينها فقالت بماذا يا رسول الله قال قولي أبي هارون نبى الله و عمى موسى كلیم الله و زوجى محمد رسول الله فما تنكران منى فقالت لهما فقاتلنا هذا علمك رسول الله فأنزل الله في ذلك يا أيها الذين آمنوا لا يسخر قوم من قوم إلى قوله ولا تتأزوا بالآلقاب بئس الاسم الفسوق بعد الإيمان...»

۱۴۱۰: ۵۲).^۶ در اهل سنت نیز توجه مفسران بیشتر معطوف به معانی الفاظ قرآن، قراءات و مباحث لغوی و نحوی آن است (طبری، ۱۴۱۲: ۲۲/۱-۶).

از مهم‌ترین تفاسیر این دوره، تفسیر قمی تألیف فقیه و محدث شیعه، علی بن ابراهیم قمی است. وی معاصر امام هادی و امام عسگری علیهما السلام و از مشایخ کلینی است که زمان غیبت صغری را نیز درک کرده است. آنچه در بررسی تفسیر او رخ می‌نماید گزینش روایات تفسیری مربوط به بطن آیات است، روایاتی که درصدد بیان فضایل اهل بیت علیهم السلام و ردایل دشمنان آنهاست. البته وی در خلال بیان روایات توضیحاتی نیز ارائه می‌دهد که غالباً لغوی یا تاریخی است. به طور مثال مفسر ذیل آیه دوم سوره انفال می‌گوید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ إِلَى قَوْلِهِ لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ فَإِنَّهَا نَزَلَتْ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَبِي ذَرٍّ وَ سَلْمَانَ وَ الْمَقْدَادَ» (قمی، ۱۳۶۷: ۲۵۵/۱)؛ یعنی با بیان سبب نزول آیه به ذکر فضیلت امام علی علیه‌السلام و

۶. به طور مثال، قمی در تفسیر آیه «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (حمد/۶) به ذکر دو روایت از امام صادق علیه‌السلام اکتفا می‌کند که: «صراط مستقیم، راه و معرفت امام است» و نیز: «صراط مستقیم، امیرالمؤمنین علیه‌السلام و معرفت و شناخت اوست و دلیلی که بر این مطلب وجود دارد آیه وَ إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ است و آن امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که در ام الكتاب است» (قمی، ۱۳۶۷: ۲۹/۱). عیاشی نیز با استناد به روایت امام صادق علیه‌السلام تأویل صراط مستقیم را «امیر المؤمنین» می‌داند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۴/۱). فرات کوفی نیز در تفسیر آیه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» (همان: ۷) تنها یک روایت از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با این مضمون ذکر می‌کند: «شیعه علی علیه‌السلام آن کسانی هستند که خداوند به ولایت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام به آنها نعمت داد، نه مورد غضب قرار می‌گیرند و نه گمراه می‌شوند» (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۲).

عدم تمسخر و استهزاء یکدیگر، عدم عیب‌جویی از یکدیگر، عدم استفاده از القاب ناپسند در نامیدن دیگران و... است بیانگر آن است که آنچه از میان روایات موجود، نظر مفسر را در عصر تألیف این تفسیر به خود جلب کرده است، روایات مربوط به جایگاه اهل بیت علیهم السلام و فضایل ایشان و پیروان ایشان از یک سو و معرفی دشمنان آنها و ردایل‌شان از سوی دیگر است.

بررسی تفاسیر اهل سنت نشان می‌دهد که در این دوره در تفاسیر اهل سنت نیز مفاهیم اخلاقی تنبیه در آیات مورد غفلت قرار گرفته است. به طور مثال به تفسیر آیه زیر از تفسیر طبری که از تفاسیر شاخص اهل سنت در این دوره است توجه کنید: «وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (أنفال/۵۸): «و اگر بترسید - و معنی بدانی از گروهی از بنی قریظه و جز از ایشان خیانتی در نگاه داشتن عهد که بشکنند عهد را - پس زود پیغام فرست، بینداز، بیفکن، سوی ایشان آگاه کردن ایشان را که عهد میان تو و ایشان شکسته آمد برای برابر بودنی تو و ایشان در دانستن عهد شکستن، حقا که خدای دوست ندارد هرگز خیانت‌کنندگان را به عهد شکستن و جز از آن» (طبری، ۱۴۱۲: ۵۸۸/۳). بررسی تفسیر آیات دیگری از همین سوره و نیز آیات سوره حجرات نشان می‌دهد که رویکرد اخلاقی در تفسیر مرجع اهل سنت نیز در این دوره در اولویت مفسر قرار ندارد (همان: ۵۷۵/۳؛ ۱۷۲۹/۷). ناگفته‌های طبری در جایی که می‌توانست درباره رذیلت اخلاقی مهمی چون خیانت سخن بگوید و اکتفای او به بیان ترجمه مبسوط آیه و تبیین لغات آن بیانگر آن است که دغدغه این مفسر نیز

تفسیر اخلاقی نیست. نباید از نظر دور داشت که مفسران فریقین حجم بسیار گسترده‌ای از روایات اخلاقی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم السلام را در اختیار داشتند که می‌توانستند در تفسیر آیات به آنها استناد کنند، مشروط بر آنکه رویکرد اخلاقی برای آنها اولویت داشته باشد.

احیاء صبغه اخلاقی در قالب تفاسیر جامع (دوره اول عصر متأخران)

در این دوره که دوره اول عصر متأخران و شامل قرون ششم تا دهم است تفاسیری نوشته شد که ویژگی مشترک تمامی آنها کاربست عقل در کنار نقل و روایت در تفسیر آیات است^۹. در این دوران که تفسیر عقلی و اجتهادی در کنار تفسیر نقلی و روایی قرار می‌گیرد، به جهت توسعه قلمرو اسلامی و نیز رویارویی مسلمانان با غیرمسلمانان لزوم ارائه تفاسیر جامع از قرآن به دغدغه نخست مفسران تبدیل شد^{۱۰}. از این رو مفسران این دوره با وجود داشتن رویکردهای کلامی، ادبی و عرفانی، هم در مقام گزینش روایات تفسیری و هم در تفسیری که خود ارائه می‌کردند درصدد تبیین کامل معارف و آموزه‌های قرآن بودند.

۹. در این دوران تألیف آثار تفسیری نیز کاهش می‌یابد که البته می‌توان آن را یکی از نتایج دوران گذار از تفاسیر نقلی محض به آثار تفسیری عقلی و نقلی توأمان و نیز پرداختن دانشمندان اسلامی به فروع دیگر علوم اسلامی نظیر کلام و فلسفه دانست.

۱۰. نخستین تفسیر جامع شیعه با رویکرد کلامی، تفسیر التبیان شیخ طوسی (م. ۴۶۰) است. این تفسیر را می‌توان از آخرین تفاسیر دوره‌ی متقدمان دانست که به دلیل جمع بین عقل و نقل، با تفاسیر روایی دوره متقدمان شباهت چندانی ندارد. این تفسیر تأثیری شگرف بر تفاسیر دوره اول عصر متأخران به‌ویژه مجمع‌البیان دارد.

هنگامی که این تفاسیر از دریچه پرداختن به رویکرد اخلاقی مورد بازبینی قرار می‌گیرند، این نتیجه حاصل می‌شود که علی‌رغم اتخاذ رویکردهای گوناگون تفسیری، غالباً مفسران از مفاهیم اخلاقی ضمن آیات غفلت نکرده و حتی گاهی به عدم جواز عقلی در ارتکاب رفتارهای غیر اخلاقی استناد کرده‌اند.

نخستین تفسیر جامعی که در این دوره نوشته شد، تفسیر مجمع البیان شیخ طبرسی (م. ۵۴۸) است. این تفسیر در زمره تفاسیر شیعی است. علی‌رغم اینکه مجمع البیان متأثر از التبیان است، بررسی محتوای آن نشان می‌دهد که رویکرد اخلاقی در آن قوت بیشتری دارد. به نظر می‌رسد طبرسی در فرآیند تفسیر آیات از کنار آیات و عباراتی که دربردارنده مفاهیم اخلاقی بوده‌اند به سادگی عبور نکرده، بلکه اندک درنگی در تبیین آن داشته‌است. البته دلیل این توجه، علاوه بر دقت نظر مفسر، نیازی است که او برای این تأکید و درنگ احساس کرده‌است. به طور مثال، وی نخستین مفسری است که بر عبارت «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (انفال/۱) تفسیر و توضیحی ارائه می‌کند و ارتباط تقوا و اصلاح ذات بین را در بین مسلمانان مورد توجه قرار می‌دهد. ناگفته نماند که تأکید مفسر در اینجا بر جنبه اجتماعی این اصلاح است، چنان‌که می‌گوید: «کونوا مجتمעים علی ما أمر الله و رسوله» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹۸/۴)؛ یعنی بر آنچه خدا و رسولش شما را فرمان داده‌اند متفق شوید و اختلاف نکنید. قابل توجه آنکه طبرسی در تفسیر این عبارت به توضیح خویش بسنده کرده و از روایات متعددی که در این زمینه وجود دارند چشم پوشیده‌است.

نمونه دیگری از رویکرد اخلاقی طبرسی که در

تفسیرش مشهود است، تفسیر او از آیه «وَإِذَا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَنْذِرْ لَهُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (انفال/۵۸) است. در اینجا مفسر پس از آن که تفسیر صدر آیه را ارائه داد- که با تفسیر التبیان نیز مطابقت دارد- درباره ذیل آیه می‌گوید: «اگر تو- ای پیامبر- بدون آنکه به طرف قرارداد اعلام کنی که قصد الغاء قرارداد و جنگ با ایشان را داری قرارداد خود را با آنها ملغی کنی، مرتکب خیانت شده‌ای و خدا خیانت‌کاران را دوست ندارد» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۵۰/۴). این در حالی است که پیش از او اگر متعرض تفسیر این عبارت شده‌اند آن را وصف کسانی می‌دانند که طرف قرارداد پیامبر بوده‌اند و اندیشه خیانت به او را در سر داشتند. این تفسیر بدیع از طبرسی نشان‌دهنده رویکرد اخلاقی او در تفسیر است. آنچنان که پابندی به اصول اخلاقی را با دیگران حتی دشمنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در هر شرایطی و برای هر کسی حتی شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم واجب و ضروری می‌داند. در حقیقت رعایت اصول اخلاقی از مبانی لایتنغیر و ثابت دین شمرده شده است.

نمونه بدیع دیگری که در تفسیر مجمع البیان دیده می‌شود، تفسیر او از عبارت «وَاقْتُلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» (انفال/۳۹) است. در حالی که مفسران غالباً نابودی فتنه را ریشه‌کن کردن کفر و شرک از روی زمین تفسیر کرده‌اند، طبرسی در تفسیر خود چنین می‌گوید: «معنای عبارت این است که تا کافری که عهد و پیمان ندارد بر روی زمین باقی نماند، چرا که کافری که پیمان ندارد مردم را به آیین خود می‌خواند و این چنین در دین فتنه ایجاد می‌شود...» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۳۴/۴) با این تفسیر مراد

میبیدی در تفسیر «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (أنفال/۱) در نوبت سوم از تفسیر خود چنین می‌گوید: با مردم به صلح و آشتی زندگانی کنید و بی‌آزار زیید و این نتوانید مگر که حظ خود بگذارید و حظ دیگران نگاه دارید، اگر نتوانید ایثار کنید و اگر نه باری انصاف دهید. بنگر که الطاف کرم احدیت آن درویشان را که راه ایثار رفتند و حظ خود بگذاشتند چه تشریف می‌دهد و چون می‌پسندد که: «وَأُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ...» و در تأیید سخن خود روایتی را نقل می‌کند^{۱۲} (میبیدی، ۱۳۷۱: ۱۰/۴). به این ترتیب وی در تفسیر عبارت علاوه بر توضیحی که ارائه می‌دهد از آیه دیگری از قرآن و سبب نزول آن در جهت تأکید بر مفهوم ایثار که از فضایل اخلاقی است بهره می‌برد.

توضیح وی در تفسیر «فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ» (أنفال/۱۲) از سوء برداشت از آیه و انتساب معنای اعمال خشونت در جنگ جلوگیری می‌کند: «دستور ضربه زدن به سرها و انگشتان از این رو است که سر موضع کشتن و انگشتان موضع گرفتن سلاح هستند» (میبیدی، ۱۳۷۱: ۱۷/۴). سپس با بیان عبارت دیگری نوع امری را که در آیه به کار رفته مشخص می‌کند: «خداوند در این آیه جواز می‌دهد که مسلمانان با همان شیوه‌های رایج در جنگ با دشمنان خود بجنگند و در صورت ضرورت این‌گونه آنها را بکشند»^{۱۳} (همان). قابل توجه آنکه این بیان

خداوند نابود کردن تمام کافران روی زمین نیست، بلکه منظور این است که تکلیف خود را با آنها روشن کنید تا خاطر شما از جانب ایشان آسوده گردد، چرا که از جانب کافری که در پیمان با شماست خطری شما را تهدید نخواهد کرد و فتنه‌ای ایجاد نخواهد شد. این تفسیر نیز بیانگر رویکرد اخلاقی مفسر است که طرق مسالمت‌آمیز گفتمان با دشمنان را بر جنگ و خونریزی ترجیح می‌دهد و فرصت بازگشت و اصلاح را از بندگان خدا دریغ نمی‌کند.

تفسیر دیگری که در این دوره تفسیری به رشته تألیف درآمده است کشف الأسرار و عده الأبرار رشیدالدین ابوالفضل میبیدی (متوفای اواسط قرن ششم قمری) است. وی از مفسران اهل سنت است که ارادت ویژه‌ای به اهل بیت علیهم السلام دارد و در ذکر فضایل ایشان کوتاهی نکرده و از روایات ایشان با کمال احترام نقل کرده‌است. اگرچه رویکرد غالب در تفسیر میبیدی رویکرد عرفانی - عرفان نقلی - است (استادی، ۱۳۷۴: ۶۱، ۶۲)، اما حضور رویکرد اخلاقی در لابلای تفسیر او دیده می‌شود. وی از نکات اخلاقی ضمن آیات غافل نمانده و گاهی در بیان این نکات به روایات معصومان علیهم السلام نیز استناد می‌کند^{۱۴}. برای تبیین رویکرد اخلاقی او در تفسیر به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

۱۱. وی در تفسیر «...فَقَاتِلُوا آلَ ثِيْنٍ حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاتٍ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات/۹) می‌گوید: «اسیر که در دست اهل عدل آید روا نیست که او را بکشند و مجروحی که بیفتد، روا نیست که او را تمام بکشند. امام علی علیه‌السلام در حرب منادی را فرمود تا ندا کرد: الا لا يتبع مدبرا ولا يوقف على جريح؛ و در حرب صفین اسیری آوردند پیش علی علیه‌السلام. علی گفت: لا اقتلك صبرا انى اخاف الله رب العالمين» (میبیدی، ۱۳۷۱: ۲۵۲/۹).

۱۲. عن عبد الله بن عمر قال: اهدى لرجل من اصحاب رسول الله رأس شاه، فقال: «ان أخى فلانا و عياله احوج الى هذا منا، فبعث به اليه، قال: فلم يزل يبعث به واحد الى آخر حتى نداولها سبعة ابيات حتى رجعت الى الاول، قال فنزلت و يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ... الايه.»

۱۳. «اباح الله عز و جل قتلهم بكل نوع يكون فى الحرب.»

نسبت به دوران تفاسیر روایی اولیه بسیار پررنگ‌تر است. شاید بتوان دلیل این توجه را اولویت مسأله و نیاز جامعه به این مفاهیم دانست. در حقیقت تفاوت دوره‌های دوم و چهارم در تفاوت اولویت‌ها و نیاز مخاطب جامعه اسلامی است. به این معنا که در دوران تفاسیر روایی اولیه مسأله مهم جامعه اسلامی تفرق امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و عدم شناخت شأن و جایگاه اهل‌بیت علیهم‌السلام در هدایت امت است. اهمیت این امر تا به آنجاست که سایر رویکردهای تفسیری را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. در چنین موقعیتی مفسر در برخورد با میراث روایی اهل‌بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرآن به مستندات در جهت تبیین عقاید حقه شیعه درباره ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام و فضایل ایشان متوسل می‌شود و از سایر روایات از جمله روایات اخلاقی چشم می‌پوشد؛ به عبارت دیگر اولویت در این دوران با روایات مربوط به عقاید مذهب تشیع و فضایل و مناقب اهل‌بیت علیهم‌السلام است.

از طرفی به نظر می‌رسد به دلیل نزدیکی دوره دوم با عصر معصومان علیهم‌السلام و تأثیر حضور ایشان در فضای جامعه و نیز ساده و بسیط بودن زندگی و تعامل افراد جامعه با یکدیگر، توجه به مفاهیم اخلاقی در خلال تفسیر قرآن به‌عنوان یک نیاز همگانی رخ نموده است. به نظر می‌رسد تأثیر حضور معصوم علیه‌السلام در جامعه و تربیت بی‌واسطه مخاطبان در محضر ایشان به نحوی است که اثرات آن تا سالها بعد جامعه را از بُعد تربیت اخلاقی بیمه کرده است، به گونه‌ای که پرداختن به مقوله اخلاق در شمار ضرورت‌های تربیتی مخاطبان نیست. در حقیقت ضرورت یک مسأله‌هنگامی احساس می‌شود که با

خداوند از انواع دیگر کشتن دشمن که غالباً غیرانسانی و غیراخلاقی است و جنبه تشفی و انتقام‌جویی دارد، نظیر مثله کردن و آتش‌زدن منع می‌کند.

میبیدی در تفسیر «وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (أنفال/۵۸) می‌گوید: «مراد از خوف در اینجا علم است... یعنی اگر با دلیل بر تو روشن شد که طرف معاهده قصد خیانت دارد پس از اعلام این که قصد داری معاهده فیما بین را الغاء کنی این کار را بکن، نه بدون اعلام که در این صورت گمان می‌کنند که تو نیرنگ کرده‌ای» (میبیدی، ۱۳۷۱: ۶۸/۴). وی منظور از خائن را در این آیه نقض‌کنندگان عهد می‌داند. سپس برای تأکید بر ناپسند بودن این ردیلت روایتی با این مضمون می‌آورد که «لا دین لمن لا عهد له» یعنی هر کس به عهد خود وفا نکند دین ندارد. گزینش روایت فوق در تفسیر آیه به روشنی بیانگر توجه و گرایش مفسر به بن اخلاقی دین و به تعبیر دیگر رویکرد اخلاقی او در تفسیر است.

رشد توجه به آیات مشتمل بر نکات اخلاقی (دوره دوم عصر متأخران)

دوره چهارمی که در رویکرد اخلاقی قرآن قابل مشاهده است، مصادف با دومین دوره تفاسیر روایی شیعه است. همزمانی و معاصرت این دوره تفسیری با حکومت صفویه و استفاده آزادانه مفسران از روایات اهل‌بیت علیه‌السلام که منبع سرشار معارف و آموزه‌های اخلاقی است، سبب شده که رویکرد اخلاقی در این دوران نسبت به دوره قبل ملموس‌تر باشد. لازم به ذکر است که توجه مفسران در این دوران به مفاهیم اخلاقی

عدم کفایت یا فقدان کلی آن رو به رو باشیم که گویا چنین ضرورتی درباره مفاهیم اخلاقی در دوره دوم احساس نشده است.

در مقابل، در دوره چهارم - یعنی تفاسیر روایی ثانویه - با توجه به فضای حکومت شیعی (صفویه) پرداختن به عقاید شیعه و فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام از اولویت مفسر خارج می‌شود. حال با توجه به فاصله گرفتن مخاطبان از عصر تربیت اخلاقی معصوم علیه السلام و پیچیده شدن تعاملات اجتماعی افراد، نیاز به تکرار و تأکید مفاهیم اخلاقی ضمن آیات و توجه دادن به گستره مصادیق اخلاقی در اولویت مفسر قرار می‌گیرد. از این رو، تفاسیر روایی این دوره نسبت به دوره دوم از حیث تعداد روایات و پرداختن به مباحث اخلاقی فربه‌تر هستند. چند نمونه از شاخص‌ترین این تفاسیر را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تفسیر الصافی تألیف مولی محسن فیض کاشانی (م. ۱۰۹۲ق) است. وی از نقادی در حدیث به سمت اخباری‌گری حرکت کرد و مخالف اجتهاد در فقه بود، به نحوی که این رویکرد او اخباری‌گری را برای مدت یک قرن در حوزه‌ها تثبیت کرد. فیض تلاش کرد میان اندیشه‌های فلسفی و روایات اهل بیت علیهم السلام جمع کند (ایازی، ۱۳۸۶: ۳۶-۳۵). اگرچه فیض در تفسیر خود روایات فراوانی را در فضیلت اهل بیت علیهم السلام و بیان تأویل آیات در خصوص ایشان ذکر کرده است، اما توجه خاصی نیز به رویکرد اخلاقی آیات و اهداف تربیتی آنها دارد، حتی اگر تفسیر خود را به روایات مستند نسازد. به طور مثال در تفسیر «وَلْيَكُ هُمْ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا» (انفال/۴)، شرط حقانیت ایمان این افراد را چنین توصیف می‌کند: «آنها مؤمنان حقیقی

هستند، چرا که ایمان خود را با ضمیمه کردن مکارم اخلاق و محاسن افعال جوارحی به آن تحقق بخشیدند» (فیض، ۱۴۱۵: ۲۶۸/۲). این نخستین باری است که مفسری شرط تحقق ایمان را علاوه بر عمل صالح - یا به تعبیر خود فیض «محاسن افعال جوارحی» - توجه به مکارم اخلاق می‌داند.

وی در تفسیر «وَإِذَا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (انفال/۵۸) می‌گوید: «عهد و پیمان آنها را به نحوی عادلانه و برابر در دشمنی به سوی ایشان بازگردان... مبارزه با آنها را آغاز مکن در حالی که آنها به گمان هم‌پیمانی با تو هستند، چرا که این خیانت است» (فیض، ۱۴۱۵: ۳۱۱/۲). به این ترتیب فیض بر لزوم رعایت مساوات و عدالت حتی در دشمنی تأکید می‌کند که البته این از اصول اخلاقی مستنبطه از محتوای آیات الهی است.

وی هم‌چنین در توضیح «وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ»^{۱۴} (انفال/۶۰) می‌گوید آنها کافرانی هستند که شما ایشان را به ظاهر نمی‌توانید بشناسید چرا که آنها در میان شما هستند و [مانند شما] نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند! (فیض، ۱۴۱۵: ۳۱۲/۲). بیان تعبیر «کافرانی که نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند» نشان‌دهنده این است که مفسر، دین را در انجام فرائض محدود نمی‌بیند و این در حقیقت تأکید همان مطلبی است که در تفسیر آیات ابتدایی سوره انفال به آن اشاره کرده بود؛ یعنی عمل صالح از فرد صالح و آراسته به مکارم اخلاقی است که ایمان را تحقق می‌بخشد.

گاهی نیز فیض برای بیان مفاهیم اخلاقی آیات

۱۴. و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد...

امام صادق علیه السلام قریب به این مضمون نقل شده است.^{۱۷} «(فیض، ۱۴۱۵: ۱/۲۶۸).

به این ترتیب مفسر بر لزوم پایبندی به اصول اخلاقی حتی در هنگام طلاق زوجین و جدایی آنها از یکدیگر تأکید می‌کند و سپس با نقل روایاتی، دامنه این پایبندی را از مصداق آیه که طلاق است به تمام حوزه‌های ارتباطی بین افراد جامعه - نه فقط مؤمنان بلکه توانگران و اغنیاء جامعه - توسعه می‌دهد. قاعده فقهی نهی از معامله با مضطر که از محتوای روایت ذیل «وَلَا تَسْوَأُ الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ» (بقره/۲۳۷)، مستفاد است از روشن‌ترین مصادیقی است که رویکرد اخلاقی قرآن را نشان می‌دهد.

شکوفایی توجه به آیات مشتمل بر نکات اخلاقی (دوره معاصران)

پس از دوره دوم تفاسیر روایی، عصر دیگری در رویکرد تفسیر اخلاقی آغاز می‌شود که می‌توان آن را عصر شکوفایی رویکرد اخلاقی در تفسیر نام نهاد. مهم‌ترین عاملی که در خیزش قابل توجه و فزاینده این رویکرد در سه قرن اخیر می‌توان موثر دانست، نیاز روزافزون جوامع به اخلاق در تمام حوزه‌های آن اعم از نظری و عملی، فردی و اجتماعی است. در حقیقت گسترده‌تر شدن جوامع انسانی و پیشرفت صنعت و تکنولوژی و پیچیده شدن روابط بشری از یک سو و سست شدن پایبندی افراد به اصول اخلاقی و فضایل انسانی در راستای منافع فردی جوامع را در سراسر شیبی

۱۷. «و فی نهج البلاغه الموسر مکان المؤمن و زاد تنهد فیہ الأشرار و تستذل الأخیار و یبایع المضطرون و قد نهی رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم عن بیع المضطربین و فی الکافی عن الصادق علیه السلام ما یقرب منه.»

از روایات اهل بیت علیهم السلام بهره می‌گیرد و به آنها استناد می‌کند. به طور مثال وی در تبیین «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ» (بقره/۲۳۷) که در مورد چگونگی پرداخت مهریه در طلاق است که پس از عقد و تعیین مهریه و قبل از نکاح اتفاق می‌افتد، با استناد به روایات متعدد بر عبارت «وَلَا تَسْوَأُ الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ» تأکید می‌کند. وی می‌گوید: «فراموش نکنید که برخی از شما بر بعض دیگر نیکی و فضل کند و از هم انتقام نگیرید». سپس روایاتی از اهل بیت علیهم السلام در ذیل آیه نقل می‌کند: «از امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم نقل است که زمانی سخت‌گزنده بر مردم می‌آید که هر کس آنچه را در دست دارد به دندان می‌گزد و فضل و بخشش به دیگران را به فراموشی می‌سپارد»^{۱۵}؛ «از امام علی علیه السلام نقل است که زمانی سخت بر مردم فرا خواهد رسید که مؤمن آنچه را در دست دارد به دندان می‌گزد»^{۱۶}؛ و «در سید رضی به جای واژه «مؤمن» واژه «موسر» [به معنای توانگر] آمده است و اضافه شده که در این زمان اشرار قدرتمند شده و نیکان به خواری کشانده می‌شوند و با درماندگان معامله می‌کنند و رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم از معامله و خرید و فروش با درماندگان [آنها که از روی اضطرار ناچارند مایملک خود را به قیمت اندک بفروشند] نهی کرده است! و از

۱۵. «العیاشی عن الباقر علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم یأتی علی الناس زمان عضوض بعض کل امرئ علی ما فی یدیه و ینسون الفضل بینهم قال الله و لا تَسْوَأُ الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ.»

۱۶. «و فی العیون عن امیر المؤمنین علیه السلام قال سیأتی علی الناس زمان عضوض بعض المؤمن علی ما فی یدیه و لم یؤمن بذلک قال الله تعالی: (وَلَا تَسْوَأُ الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ) الْآیة.»

به سید عبدالله شبیر (م. ۱۲۴۲ق) است که در قرن ۱۳ هجری قمری به رشته تالیف درآمد و تلفیق تفسیر عقلی و نقلی است. تفسیر شبیر از جهت بیان نکات لطیف و معانی دقیق در تبیین آیات قرآن قابل توجه است. آنچه از بررسی اثر او به دست می‌آید غلبه رویکرد اخلاقی در این تفسیر است.

نمونه‌ای از تفسیر وی که دربردارنده نکات لطیف معانی است در آیه «مَا كَانَ لِنبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أُسْرَى حَتَّى يُثَخِّنَ فِي الْأَرْضِ» (انفال/۶۷) دیده می‌شود. این آیه شریفه گرفتن اسیر را در جنگ توسط پیامبران منوط به «اتخان در زمین» می‌داند. اکثریت قریب به اتفاق مفسران این عبارت را «مبالغه و زیاده‌روی در قتل و کشتن» تعبیر کرده‌اند (حائری تهرانی، ۱۳۷۷: ۱۰۵/۵)؛ حال آن که شبیر آن را «غلبه بر بلاد» معنا کرده است (شبیر، ۱۳۸۵: ۴۲/۳). این تفاوت در تعبیر نشان‌دهنده رویکرد اخلاقی وی در تفسیر قرآن است.

شبیر هم‌چنین در تفسیر «وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ» (انفال/۷۲) تأکید می‌کند که علت ممنوعیت یاری‌رسانی به این افراد، نقض عهده است که لازمه این نصرت است (شبیر، ۱۳۸۵: ۴۵/۳) و این یعنی آنکه رعایت عهد و پیمان با غیرهم‌کیشان و پایبندی به آن نسبت به یاری کردن هم‌کیش اولویت دارد.

نمونه دیگری از تفاسیر این دوره تفسیر مراغی تالیف احمد مصطفی مراغی از دانشمندان اهل سنت قرن چهاردهم است. مراغی در تفسیر خود درصدد تقریب بین مذاهب اسلامی بوده است که به عقیده وی نیاز مخاطبان هم عصر اوست. وی می‌خواهد پیام قرآن

سقوط معنوی و مشکلات ناشی از تضاد مظاهر زندگی مدرن با آنچه فطرت بشر مشتاقانه جویای آن است قرار داده است. همواره نیازهای بشر او را به حرکت برای یافتن و رفع آن نیازها واداشته است. از این‌رو در عصری که آن را عصر بحران معنویت و اخلاق می‌دانند، تلاش عقلای جوامع در طرح این مسأله و ارائه راه حل مناسب برای آن همگرا می‌شود. در این میان مفسران نیز با نگاهی نو از درون دریچه‌ای که از همان ابتدا اهل بیت علیهم‌السلام در تبیین آیات الهی آن را گشوده بودند، سعی دارند مشکلات پیچیده انسان امروزی را تحلیل کرده و راه غلبه بر آنها را نیز از همین طریق ارائه دهند. چنین رویکردی از ابتدای قرن ۱۳ قمری آغاز شده و دامنه آن با رشدی روزافزون تا زمان حاضر کشیده شده است. با اطمینان می‌توان گفت در حال حاضر تفسیر اخلاقی در کنار تفسیر علمی، هر یک به دلیلی خاص، اولویت‌های نخست مفسر هستند و تفسیر اخلاقی در عصر ما در کانون توجه مفسر و نیاز مخاطب قرار دارد. در نهایت این توجه به توسعه کمی و کیفی تفاسیر اخلاقی منجر شده است، به طوری که تعداد تفاسیری که با رویکرد اخلاقی در دوره معاصر نوشته شده است به تنهایی از مجموع تعداد آنها در دوره‌های پیشین بیشتر است.^{۱۸} از جنبه کیفی نیز میزان تأکید و توجه مفسران به مفاهیم اخلاقی و آثار تربیتی آنها در خلال آیات قرآن رشد فزاینده‌ای داشته است.

یکی از تفاسیر مهم این دوره تفسیر شبیر متعلق

۱۸. تعداد تفاسیر قرآن با رویکرد اخلاقی براساس جامعه آماری این پژوهش در دوره دوم چهار تفسیر، در دوره سوم پنج تفسیر، در دوره چهارم پنج تفسیر و در دوره پنجم هفده تفسیر است.

افشاکردن راز، خیانت و حرام است و در راز بودن آن همین بس که قرینه قولی داشته باشد؛ مثلاً گوینده آن بگوید آیا کسی حرف‌های ما را می‌شنود؟ یا قرینه فعلی مانند آن که مراقب باشند کسی وارد نشود و موکدترین امانات سری و سزاوارترین آنها به حفظ، اسرار میان زوجین است.

هم‌چنین درباره اماناتی که میان شما و صاحبان امر است از امور سیاسی یا جنگی خیانت نکنید. مبدا دشمن بر آنها آگاه شود و از آن در حيله عليه شما استفاده کند. (مراغی، بی‌تا: ۱۹۳/۹). مراغی در اینجا سعی کرده است سطوح مختلفی از امانت و لزوم رعایت آن را از اسرار زناشویی تا اسرار حکومتی مطرح کند. لازم به ذکر است آنچه وی به‌عنوان قرینه قولی و فعلی در تشخیص امانت بودن محتوای سخن آورده است مضمون روایاتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که در برخی تفاسیر ذیل آیه نقل شده است.^{۱۹}

تفسیر دیگری که با رویکرد اخلاقی مفسر شکل گرفته است تفسیر قرآن کریم سید محمد ضیاء آبادی از دانشمندان قرآن‌شناس معاصر شیعه است. ایشان تفسیر قرآن را به صورت سوره به سوره و نه به ترتیب مصحف در قالب جلسات درس و وعظ ارائه کرده است

۱۹. امانت گرچه معمولاً به امانت‌های مالی گفته می‌شود ولی در منطق قرآن مفهوم وسیعی دارد که تمام شئون زندگی اجتماعی و سیاسی و اخلاقی را در بر می‌گیرد، لذا در حدیث وارد شده که «المجالس بالامانه»: «گفتگوهایی که در جلسه خصوصی می‌شود امانت است» و در حدیث دیگری می‌خوانیم: «اذا حدث الرجل بحديث ثم التفت فهو امانة»: «هنگامی که کسی برای دیگری سخنی نقل کند سپس به اطراف خود بنگرد (که آیا کسی آن را شنید یا نه) این سخن امانت است» (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۳۶/۷).

را بدون تعصب و آرایش به گوش مخاطبان آن برساند، لذا در جای جای تفسیر او مباحث ارشادی طرح شده است. وی در مقدمه چنین می‌گوید: «کتاب خدا همان دستور قانون‌گذاری و منبع احکامی است که می‌طلبد مسلمانان به آن عمل کنند چرا که در آن بیان حلال و حرام و امر و نهی است. این کتاب تعیین‌کننده آداب و اخلاقی است که مسلمانان امر شده‌اند به آن تمسک جویند تا مصدر سعادت آنها و منبع هدایت‌شان شود... و آن وسیله اصلاح وضع جامعه اسلامی است که ما را به راه راست می‌رساند» (مراغی، بی‌تا: ۵/۱). وی در ادامه می‌گوید برخی دانشمندان اسلامی به جای هدف بر وسایل تکیه و تأکید کردند، مثلاً در اسلوب کتاب و معانی آن، اعراب و بیان وجوه آن، قصص و اخبار گذشتگان، احکام شرعی، کلام و اصول عقاید و... در حالی که غرض اصلی کتاب که دین است هدایت مردم در دنیا و آخرت آنهاست (همان: ۱۲/۱).

با این مقدمه و از آنجا که هدایت الهی براساس اصول و موازین اخلاقی بنا شده است رویکرد اخلاقی در تفسیر مراغی کاملاً مشهود است. وی در تفسیر «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (أنفال/ ۱) می‌گوید: «اجتناب کنید از مشاجره و تنازع و اختلاف که موجب خشم خداست به‌جهت مضرت‌هایی که دارد تا الفت و محبت و اتفاق جایگزین شود. این اصلاح واجب شرعی است و قدرت و عزت امت در گرو آن است.» (مراغی، بی‌تا: ۱۶۳/۹) و نیز ذیل آیه «لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ» (أنفال/ ۲۷) در تفسیر «امانات» آورده است: در اماناتی که فی‌مابین برخی از شماست خیانت نکنید؛ از معاملات مالی و سایر معاملات گرفته تا شئون ادبی و اجتماعی، پس

که حاصل این جلسات به صورت تفاسیر مکتوب و مجزای برخی سوره قرآن در دسترس مخاطبان قرار دارد. گرچه تفسیر ایشان در حال حاضر فاقد مقدمه مکتوب است، اما مبانی و رویکرد وی را در تفسیر قرآن می‌توان از خلال تفسیری که بر آیات ارائه کرده است به دست آورد. به طور نمونه توضیحات وی در تفسیر عبارت «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» در آیه اول سوره انفال و روایات متعددی که در فضیلت و لزوم اصلاح ذات بین مطرح می‌کند یکی از این موارد است. وی هم چنین در تفسیر «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ» (انفال/۱) می‌گوید منظور این است که مقصد اصلی خداست، مال اضافه و نفل است نه هدف، لذا باید انگیزه خود را برای خدا خالص کرد و اخلاص یعنی رعایت کردن جانب خدا و کرامت انسانی خود (ضیاء آبادی، ۱۳۸۱: ۳۴). او در معنای تقوا دو گزینه مشهور «ترس از خدا» و «پرهیزگاری» را نمی‌پذیرد. بلکه تقوا را این‌چنین تعریف می‌کند: «تقوا یعنی گرفتن وقایه و سپر و در اصطلاح نیرویی است که در روح و جان انسان پدید می‌آید که هجوم شهوات و تمایلات را بر گوهر ایمان مانع می‌شود» (همان: ۳۶). چنان که دیده می‌شود تقوا در منظومه رویکرد اخلاقی او معنا شده است.

ایشان در تفسیر «وَأِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (انفال/۵۸) چنین می‌گوید: «اگر شما با کفار و مشرکین براساس مصالحی پیمان بستید (پیمان صلح و عدم تعرض)، این پیمان محترم است. حق ندارید نقض پیمان کنید: وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (إسراء/۳۴) و در سوره توبه آمده است: إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنْ

الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ (توبه/۴). وقتی با مشرکین پیمان بستید به پیمان خود وفادار باشید تا مدت پیمان به پایان نرسیده است حق تعرض به آنها ندارید. مسأله وفای به عهد قبل از این که اسلامی باشد، یک مسأله انسانی است... اگر از روی قراین و شواهد قطعی به دست آورید که آنها می‌خواهند به شما خیانت کنند در این صورت شما نقض پیمان نکنید. بلکه به آنها اعلام کنید که ما آگاه شده‌ایم که شما در مقام طرح نقشه‌های خائنه هستید و لذا دیگر در مقابل شما وظیفه سکوت نداریم. از حالا به شما اعلام می‌کنیم که پیمان ما لغو است. اگر شما بدون اعلام و اطلاع حمله کنید و به آنها شبیخون بزنید این کار خیانت است و اگر سکوت کنید تا آنها به شما شبیخون بزنند این کار خلاف کیاست و فراست مومن است. هر دو غلط است. تنها راه همین است که قرآن نشان داده است» (همان: ۴-۶۳۲).

وی ذیل آیه ۶۷ سوره انفال که درباره فلسفه گرفتن اسیر چنین می‌گوید: «اصلاً چرا باید اسیر بگیریم؟ سرش معلوم است. برای دفع خطر محتمل که مبدا در میان باقیمانده‌ها افراد شروری باشند از قبیل ابوجهل و... که مجدداً فرصتی به دست آورده علیه مسلمین قیام کنند و لذا راه عقلایی‌اش این است که اینها را اگر نمی‌کشیم رهاشان نکنیم. علاوه بر این یک فایده بسیار مهم اسیر گرفتن این است که آنها در مکتب اسلام تربیت شوند. چون هدف اصلی دین ارشاد و اصلاح و تربیت انسان است. مسلمانان آن‌چنان رفتار کریمانه با اسرا دارند که آنها را جزء افراد خانواده خود به حساب می‌آورند. آنها در خطباتشان به آنان غلام و کنیز

تابعان) است، دوره پیدایش توجه خاص به آیات مشتمل بر نکات اخلاقی است. در دوره بعد و عصر متقدمان که همزمان با تدوین تفاسیر روایی اولیه است، در تفاسیر اهل سنت، پرداختن به واژه‌شناسی و بحث‌های لغوی و نحوی و در شیعه تأکید بر مباحث تأویلی با موضوع جایگاه امام علی علیه‌السلام و فضایل اهل‌بیت علیهم‌السلام، سبب افول رویکرد اخلاقی در تفسیر قرآن شد. در دوره سوم که دوره اول عصر متأخران و پیدایش نخستین تفاسیر جامع است، رویکرد اخلاقی در قالبی نوین یعنی توأمان بودن تفسیر عقلی و نقلی جان تازه‌ای می‌گیرد. در دوره چهارم که دوره دوم عصر متأخران است، به دنبال فضای مناسب سیاسی و بازنگری و غنی‌سازی تفاسیر روایی، توجه به آیات مشتمل بر نکات اخلاقی شدت یافت و این روند رو به رشد در دوران معاصر به دلایل متعدد رشد و شکوفایی خاصی داشته‌است.

۲. عوامل گوناگونی نظیر دغدغه مفسر و اولویت‌های او، نیاز مخاطب، شرایط و فضای جامعه سبب شدت و ضعف جریان رویکرد اخلاقی در تفسیر قرآن شده است. در عصر حاضر فقر اخلاقی، ظهور جاهلیت جدید در جوامع و دوری نسبی انسان معاصر از مفاهیم اخلاقی سبب شده که نیاز به تفسیر اخلاقی دغدغه اصلی مفسران قرآن باشد.^{۲۰} پاسخ به این نیاز در حال حاضر به صورت شکوفایی و رشد قابل توجه تفاسیر اخلاقی دیده می‌شود.

۲۰. شباهت برخی از ویژگی‌های دوران معاصر با عصر جاهلیت اولی سبب می‌شود که رهبران معنوی جامعه با پیروی از عملکرد هدایتگری پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همت خود را صرف احیاء مفاهیم اخلاقی و فضایل معنوی در جامعه کنونی کنند.

نمی‌گویند؛ بلکه فتی و فتاه، یعنی جوان مرد و جوان زن می‌گویند. در خوراک‌شان آنها را شریک خود قرار می‌دهند. مگر نه این است که خاندان عصمت علیه‌السلام «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا» (إنسان/۸) خوراک منحصر خود را به اسیر می‌دهند... پس این‌طور نیست که اسیر بگیرند و ذلیلش کنند و او را تحت فشار قرار دهند؛ بلکه اصلاح و تربیتش می‌کنند؛ یعنی همان کسی که به خون شما تشنه است و آمده شما را از بین ببرد شما او را نمی‌کشید. او را نگه می‌دارید، تمام حوائجش را تأمین می‌کنید، خوراک و مسکن و لباس به او می‌دهید، با کمال ادب و احترام مثل برادر با او رفتار می‌کنید و در عین حال دفع خطر محتمل هم از خود می‌کنید. برخی از این اسیرها در مکتب تربیتی اسلام آن‌چنان ترقی کردند که به مقام فرماندهی لشکر رسیدند. مگر زید بن حارثه و اسامه بن زید نبودند که به مقام فرماندهی لشکر رسیدند» (همان: ۷۱۸). رویکرد اخلاقی مفسر در تفسیر سبب شده است که فهم وی از آیه هماهنگ و سازگار با سایر آیات، سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اصول انسانی و اخلاقی باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

۱. رویکرد اخلاقی در تفسیر قرآن که آغازگر و الگوی آن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و معصومان علیهم‌السلام هستند، از عصر نزول قرآن تاکنون علی‌رغم فراز و نشیب‌های فراوان استمرار داشته است. بررسی سیر تطور رویکرد اخلاقی، وجود پنج دوره متمایز را نشان می‌دهد.

دوره نخست که معاصر اقدمین (صحابه و

- منابع
- تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- قرآن کریم (ترجمه فولادوند).
- نهج البلاغه (شرح ابن ابی الحدید).
- ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا). *مالی*. قم: مؤسسه البعثه.
- استادی، رضا (۱۳۷۵ش). «ابوالفضل میبیدی و تفسیر کشف الأسرار». *کیهان اندیشه*. شماره ۶۵.
- اسعدی، محمد (۱۳۸۹ش). *آسیب شناسی جریان های تفسیری*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۵ش). *سیر تطور تفاسیر شیعه*. تهران: دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
- _____ (۱۳۸۶ش). «فیض کاشانی: مبانی و روش های تفسیری او». *رهنمون*. شماره های ۲۳ و ۲۴. صص ۳۵-۷۰.
- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
- بروجردی، سید محمدابراهیم (۱۳۶۶ش). *تفسیر جامع*. تهران: انتشارات صدر.
- ثمالی، ابوحمزه (۴۲۰ق). *تفسیر القرآن الکریم*. مقدمه محمدهادی معرفت. قم: مکتبه الهادی.
- جلالیان، حبیب الله (۱۳۸۴ش). *تاریخ تفسیر قرآن کریم*. تهران: انتشارات اسوه.
- حائری تهرانی، میرسیدعلی (۱۳۷۷ش). *مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- الدارقطنی، علی بن عمر (۴۱۷ق). *سنن الدارقطنی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شبر، سید عبدالله (۱۳۸۵ق). *الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین*. قاهره: مطبوعات.
- ضیاء آبادی، سیدمحمد (۱۳۸۱ش). *تفسیر سوره انفال*. تهران: بی نا.
- طبرسی، فضل بن الحسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی*
- طبری، محمد بن جریر (۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر آی القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
- العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). *نور الثقلین*. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *کتاب التفسیر*. تهران: چاپخانه علمیه.
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. تهران: انتشارات صدر.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش). *تفسیر التمی*. تحقیق سید طیب موسوی جزایری. قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). *تفسیر فرات*. تحقیق محمد کاظم محمودی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- مجاهد بن جبر (بی تا). *تفسیر مجاهد*. تحقیق عبد الرحمن طاهر بن السورتی. اسلام آباد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- المراغی، احمد مصطفی (بی تا). *تفسیر المراغی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- معارف، مجید (۱۳۸۷ش). *تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی*. تهران: انتشارات کویر.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۷ش). *تفسیر و مفسران*. قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میبیدی، رشیدالدین ابوالفضل (۱۳۷۱ش). *کشف الأسرار و عده الأبرار*. تهران: انتشارات امیرکبیر.